



دستورالعمل های بین المللی پلیس در مقابله با جرایم علیه زنان و کودکان

تالیف

سید مجتبی موسوی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۸

سرشناسه	:	موسوی، سیدمجتبی، ۱۳۵۷ -
عنوان قراردادی	:	ایران، قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	:	دستورالعمل‌های بین‌المللی پلیس در مقابله باجرایم علیه زنان و کودکان / تألیف سیدمجتبی موسوی.
مشخصات نشر	:	تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۱۵۰ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۲۲۹-۰۶۸-۹
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	:	زنان -- جرایم علیه -- قوانین و مقررات -- دستنامه‌ها
موضوع	:	Women -- Crimes against -- Law and legislation -- Handbooks, manuals, etc
موضوع	:	کودکان -- جرایم علیه -- قوانین و مقررات -- دستنامه‌ها
موضوع	:	Children -- Crimes against -- Law and legislation -- Handbooks, manuals, etc
موضوع	:	زنان -- جرایم علیه -- قوانین و مقررات -- ایران -- دستنامه‌ها
موضوع	:	Women -- Crimes against -- Law and legislation -- Iran -- Handbooks, manuals, etc
موضوع	:	کودکان -- جرایم علیه -- قوانین و مقررات -- ایران -- دستنامه‌ها
موضوع	:	Children -- Crimes against -- Law and legislation -- Iran -- Handbooks, manuals, etc
موضوع	:	پلیس بین‌المللی -- دستنامه‌ها
موضوع	:	International police -- Handbooks, manuals, etc
موضوع	:	پلیس -- دستنامه‌ها
موضوع	:	Police -- Handbooks, manuals, etc
رده بندی کنگره	:	K۵۱۹۱
رده بندی دیویی	:	۳۴۵/۰۲۵-۸۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۷۲۲۸۹۶

انتشارات قانون یار

دستورالعمل‌های بین‌المللی پلیس در مقابله باجرایم علیه زنان و کودکان

تألیف: سید مجتبی موسوی

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۹-۰۶۸-۹

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۹۵۲۶ مرکز پخش قانون یار

فهرست مطالب

۷.....	پیشگفتار
۱۱.....	فصل اول
۱۱.....	مفاهیم، تاریخچه و منابع حقوقی
۹۱.....	فصل دوم
۹۱.....	دستورالعمل های کاربردی برای نیروی پلیس در ایران
۱۲۱.....	فصل سوم
۱۲۱.....	دستورالعمل های اتحادیه اروپا در مورد خشونت بر علیه زنان و کودکان
۱۳۹.....	نتیجه گیری
۱۴۳.....	فهرست منابع

پیشگفتار

حمایت از زنان و کودکان در سایه افزایش امنیت اجتماعی و پیش‌گیری از افزایش جرایم علیه زنان و کودکان از طریق ارائه خدمات مشاوره‌ای برای ارتقای سطح فرهنگی خانواده‌ها و اطلاع‌رسانی به قربانیان خشونت‌های خانوادگی امری بسیار ضروری است. قوانینی که در راستای مقابله با خشونت علیه زنان وضع شده‌اند به‌صورت پراکنده هستند و قانون کامل و جامعی در این خصوص تدوین نشده است. همچنین، خلأهای زیادی در این زمینه قابل مشاهده است و در این قوانین به موارد مختلفی که مصداق خشونت تلقی می‌شوند اشاره‌ای نشده است. در این راستا اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه حمایت از زنان و کودکان در وضعیت اضطراری و مخاصمه مسلحانه و ... که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم به موضوع خشونت علیه زنان و کودکان پرداخته‌اند. آنچه که در این کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرد دستورالعمل‌های بین‌المللی برای نیروهای پلیس در مقابله با جرایم علیه زنان و کودکان است. جرایم علیه کودکان و زنان از جمله مسائلی است که در چند دهه اخیر، به‌طور جدی مورد توجه بسیاری از نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است و خصوصاً وقوع مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد و اعمال خشونت‌های فراوان علیه هزاران زن و کودک بی‌دفاع، بر اهمیت موضوع افزوده است. البته علاوه بر خشونت‌های ارتكابی علیه زنان و کودکان در جریان مخاصمات مسلحانه، اعمال خشونت آمیز که در خانواده، اجتماع، محیط کار و تحصیل علیه زنان در جوامع مختلف از جمله کشورهای اروپایی انجام می‌گیرند، از جمله دغدغه‌های مطرح هستند که برای مقابله با آن راهکارهای مختلفی توسط دولت‌ها و سازوکارهای بین‌المللی پیشنهاد و اتخاذ گردیده است. البته این راهکارها نوعاً با رویکرد حذفی به خانواده همراه بوده است، بدین معنا که گرچه خشونت خانگی از اقسام مطرح خشونت علیه زنان و



کودکان شمرده شده و در بسیاری موارد نیز غیرقابل انکار است، اما تأکیدی بر ترمیم یا اصلاح خانواده و یا توصیه‌هایی برای بهبود و تقویت روابط اعضای خانواده، در راستای مقابله با خشونت علیه زنان دیده نمی‌شود. این در حالی است که اگر بپذیریم که شرایط خانوادگی زنان و کودکان در بسیاری موارد، مطلوب نیست و اعضای خانواده می‌توانند در زمره متهمین ارتکاب خشونت مورد توجه قرار گیرند، چنانچه در برخی کشورهای اروپایی خشونت خانگی موجب نگرانی‌های بسیار بوده است، کمترین انتظار آن است که برای خانواده نیز در کنار دولت، اعضای جامعه مدنی و افراد انسانی برای مقابله با این معضل اجتماعی نقشی تعریف و به رسمیت شناخته شود، حال آنکه در تحلیل اسناد بین‌المللی ذیربط، خلا چنین رویکردی به وضوح قابل دریافت است. برخی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به موضوع خشونت علیه زنان پرداخته‌اند، عبارتند از: اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون رضایت در ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج، کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، نظریه تفسیری شماره ۱۹ کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، پروتکل اختیاری کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، اعلامیه حمایت از زنان و کودکان در وضعیت اضطراری و مخاصمه مسلحانه، پروتکل کنوانسیون علیه جرایم سازمان یافته در مورد قاچاق زنان و کودکان، اصول راهنما در مورد حقوق بشر و قاچاق انسان، کنوانسیون مقابله با قاچاق انسان و استثمار از طریق فحشای دیگران، اعلامیه محو خشونت علیه زنان، کنوانسیون ژنو در مورد حمایت از قربانیان در زمان جنگ، پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو در رابطه با حمایت از قربانیان در مخاصمات غیر بین‌المللی. علاوه بر اسناد بین‌المللی مذکور، در سطح منطقه‌ای نیز اسنادی مرتبط با موضوع خشونت علیه زنان به تصویب رسیده است که کنوانسیون شورای اروپا در مورد پیشگیری و مقابله با خشونت علیه



زنان و خشونت خانگی (۲۰۱۰) و کنوانسیون امریکایی پیشگیری، مجازات و محو خشونت علیه زنان مهم ترین آنها هستند. در حال حاضر، نهادها و سازمان‌های متعدد در اتحادیه‌ی اروپا وجود دارند (مانند پلیس اروپا، فرانتکس، یوروجاست، اولاف، دانشکده‌ی پلیس اروپا، و پلیس بین‌الملل) که در فعالیت‌های پیش‌گیری و مبارزه با جرایم علیه زنان و کودکان نقش دارند. دستور کار آن‌ها متفاوت، ولی هدف آنها مشابه است. آنچه که در این کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرد مطالعه اقدامات و دستورالعمل‌های بین‌المللی برای نیروهای پلیس در مقابله با جرایم علیه زنان و کودکان است.

سوالات مطروحه مؤلف

- ۱- دستورالعمل‌های سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای بین‌المللی برای نیروهای پلیس در خصوص زنان و کودکان قربانی خشونت کدامها هستند؟
- ۲- میزان الزام آور بودن دستورالعمل‌های بین‌المللی برای نیروهای پلیس در خصوص مبارزه با جرایم علیه زنان و کودکان تا حدی است؟
- ۳- منابع حقوقی که دستورالعمل‌های بین‌المللی برای نیروهای پلیس را در ارتباط با حمایت از زنان و کودکان قربانی خشونت مقرر می‌دارند کدامها هستند؟
- ۴- قلمرو انطباق دستورالعمل‌های بین‌المللی با نظام حقوقی و آموزشی نیروهای پلیس در ایران به چه صورتی می‌باشد؟

فرضیه مطروحه مؤلف

- ۱ -وضع مقررات بین‌المللی از جمله پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان (پروتکل پالرمو) مصوب سال ۲۰۰۰ سازمان ملل متحد و کنوانسیون اقدام ضد قاچاق انسان (کنوانسیون ورشو) مصوب سال ۲۰۰۵ شورای اروپا از



جمله دستورالعمل‌هایی است که در حقوق بین‌الملل برای نیروهای پلیس در مواجهه با جرایم و خشونت‌های علیه زنان و کودکان وجود دارد.

۲- دستورالعمل‌های بین‌المللی برای نیروهای پلیس در خصوص مبارزه با جرایم علیه زنان و کودکان الزام آور بوده و لازم الاجرا است.

۳- اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون مقابله با قاچاق انسان و استثمار از طریق فحشای دیگران، اعلامیه محو خشونت علیه زنان، کنوانسیون ژنو در مورد حمایت از قربانیان در زمان جنگ و از جمله منابع حقوقی بین‌المللی برای حمایت و مبارزه با جرایم علیه زنان و کودکان است.

۴- نظام حقوقی و آموزشی نیروهای پلیس در ایران با دستورالعمل‌های بین‌المللی در خصوص مبارزه با جرایم علیه زنان و کودکان انطباق کامل دارد.

امروزه هنجارشکنی‌ها و رفتارهای مجرمانه، به اقدام فردی و یا گروهی در قلمرو یک کشور محدود نمی‌شود و جامعه بشری با پدیده «جرایم سازمان‌یافته فراملی» که یکی از مصادیق این جرایم خشونت و ارتکاب انواع جرایم علیه- زنان و کودکان است، روبه‌روست که خاصیت گروهی و فرامرزی بودن آن، دل‌نگرانی‌ها و دغدغه‌های جدی را برای جامعه جهانی به وجود آورده است.

فصل اول

مفاهیم، تاریخچه و منابع حقوقی

مقدمه

جرایم بر علیه زنان و کودکان از آسیب‌های جامعه است. از جمله این جرایم می‌توان به خشونت خانگی و جنسی و قاچاق زنان و کودکان اشاره کرد. قاچاق زنان و کودکان، یکی از معضلات و آسیب‌های اجتماعی است؛ که به گونه‌ای روبه رشد تقریباً همه جوامع را دربر گرفته است. قاچاق زنان و کودکان موجب می‌شود بسیاری از زنانی که در گریز از فقر و جستجوی یافتن یک زندگی بهتر به ترک خانه و میهن خود دست زده‌اند، نه تنها به آن دست پیدا نکنند، بلکه بیش از پیش در گردابی فرو روند که هیچ راه گریزی از آن نمی‌توان یافت. به لحاظ تاریخی، جرم و خشونت همواره بخشی از حوزه عمومی تلقی می‌شود. خشونت از عواملی است که سلامت و امنیت خانواده را تهدید می‌کند. خشونت علیه زنان و کودکان، پدیده‌ای است که در آن زن یا کودک به خاطر جنسیت خود مورد اعمال زور و تضییع حق از سوی جنس مخالف (مرد) قرار می‌گیرد. «چنانچه خشونت در چارچوب خانواده و بین زن و شوهر یا دختر و پدر باشد، از آن به خشونت خانگی تعبیر می‌شود و به هر نوع عمل یا احتمال رفتاری که به آسیب جسمی، جنسی، روانی یا محرومیت و عذاب منجر شود،



خشونت علیه زنان و کودکان گفته می‌شود». امروزه بیشتر از گذشته خشونت‌های خانگی به‌طور عام و خشونت علیه زنان و کودکان به‌طور خاص مورد نکوهش افکار عمومی و سیاست‌گذاران و مصلحان اجتماعی قرار گرفته است. حتی مردان به‌عنوان کسانی که در متن مناسبات قدرت، خشونت را به نمایش می‌گذارند به قبح عمل واقف می‌باشند. زنان و دختران به‌عنوان کسانی که بیش از هر قشر دیگر، قربانیان خشونت خانگی واقع می‌شوند، به حدی از آگاهی رسیده‌اند که خشونت‌های خانگی را امری اجتناب‌ناپذیر نمی‌دانند، بلکه معتقدند که با دریافت حمایت‌های اجتماعی و قانونی می‌توان بر آن غلبه کرد. خشونت علیه زنان در ابعاد روانی، جنسی، جسمی، مالی، اجتماعی و فرهنگی اتفاق می‌افتد که پیامدهای جبران‌ناپذیری از جمله روانی، استرس و فشار، اختلالات جسمی خصوصاً بر فرزندان وارد می‌کند. آنچه که در این کتاب بررسی می‌شود دستورالعمل‌های بین‌المللی برای نیروهای پلیس در مقابله با جرایم علیه زنان و کودکان است. هدف از این دستورالعمل‌ها این است که یک دست‌افزار عملیاتی فراهم آورد که از آن برای تماس با کشورهای ثالث در تمام سطوح و همچنین برای کنگاشگاه‌های چند جانبه به منظور حمایت و تقویت تلاش‌های ادامه‌دار به منظور جلوگیری و ریشه‌کن کردن شکنجه و سوء رفتار در تمام مناطق دنیا استفاده گردد.

مبحث اول: مفاهیم

گفتار اول: مفهوم جرم

جرم از کلمات بسیار مشهوری است که همه آنرا بطور اجمال می‌شناسد و بوجود آن آگاهی دارند ولی با اینحال تعریف جامع و کامل از آن بسیار دشوار است، و در باره جرم باید گفت که نوعی سهل و ممتنع است و به قول نویسنده کتاب معروف (سیاست و جرم) جرم پدیده‌ای است که همه بوجودش واقفند بدون آنکه آن را بشناسند. تعاریف مختلفی از آن شده ولی تعریفی که همه‌پسند باشد به دست نیامده است و علت آن هم روشن است چون



پدیده جرم از دیدگاه‌ها و مکتب‌ها و برحسب نظر جرم‌شناسان، قانونگذاران علمای اخلاق و ادیان و... متفاوت و متخلف است و هریک از آنان عملی را جرم به حساب می‌آورند که در آن مکتب و از آن دیدگاه مستوجب کیفر و نکوهش باشد و یا خلاف حکم و قانون و... باشد، گرچه ممکن است همان پدیده در مکتب دیگری یا از دید دیگری خلاف آن باشد.

جرم در لغت به معنای «گناه» آمده است^۱ و در اصطلاح، علیرغم تعاریف زیادی که از جرم شده هنوز هم این موفقیت بدست نیامده تا از جرم، آنچنان تعریفی به عمل آید که مورد قبول همگان قرار گیرد و در زمان و مکان واجد ارزش باشد و دلیل این امر نیز اینست که پدیده جرم بر حسب دانشمندان و محققان دارای مبانی و صور گوناگون بوده، به سخنی دیگر، آنچه که از نظر یکی جرم محسوب می‌شود بر حسب دیگری نه تنها ممکن است عنوان جرم به خود نگیرد، بلکه امکان دارد که حتی عملی پسندیده به شمار آید^۲. علمای حقوق کیفری هر یک جرم را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند. هر یک از این تعاریف، اغلب از گرایشهای نظری مکتب‌های خاصی ملهم شده است. برای نمونه مکتب عدالت مطلق، جرم را «هر فعل مغایر اخلاق و عدالت» تعریف کرده است. یا بنا به تعریف گارو فالو یکی از بنیانگذاران دانش جرم شناسی، جرم عبارتست از تعرض به احساس اخلاقی بشر یعنی «جریحه دار کردن آن بخش از حس اخلاقی که احساسات بنیادی نوع خواهانه یعنی شفقت و درستکاری را شامل می‌شود»^۳. در قانون مجازات اسلامی از جرم تعریف نشده است، فقط در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی در بیان اوصاف جرم آمده است: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم تلقی می‌شود». جرم را می‌توان این چنین تقسیم بندی کرد:

۱- جرم کیفری: جرم کیفری به معنای عام، عبارتست از هر فعلی که به موجب قوانین کیفری انجام دادن و یا ترک آن با مجازات مقرر توأم باشد؛ مانند قتل، کلاهبرداری، سرقت، و

^۱ - سیاح، احمد، فرهنگ جامع عربی، فارسی، ج اول، ذیل کلمه جرم، ص ۲۱۵.

^۲ - شامیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر ژوبین، آذر ۸۴، چاپ دوازدهم، ج اول، ص ۲۱۳.

^۳ - اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، پاییز ۸۶ ج اول، ص ۱۱۹.



غیره از حیث عنصر قانونی جرم کیفری بنا به اصل قانونی بودن جرایم، فعل خاصی است که در قانون تصریح شده است. و از حیث عنصر مادی جرم کیفری ممکن است مستقل از زیان و خسارتهای مادی تحقق یابد.^۱

۲- جرم مدنی: به فعلی اطلاق می‌شود که من غیر حق، زیانی به دیگری وارد و فاعل را به جبران آن ملتزم کند و ممکن است نصّ خاصی در قانون نداشته باشد مثل ماده ۳۲۸ قانون مدنی: «هر کس مال غیر ار تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آنرا بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آنرا ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.»^۲

۳- جرم انتظامی: تخلف انتظامی عبارت است از نقض مقررات صنفی یا گروهی که اشخاص به تبع عضویت در گروه آن را پذیرفته‌اند. در واقع، جامعه کوچکی مانند کانونهای صنفی و کلا، سردفتران، پزشکان و.... مانند جامعه بزرگ مکتبی به اصول و مقرراتی است که حافظ نظم و بقای گروه یا اتحادیه صنفی و حرفه‌ای است.^۳

گفتار دوم: مفهوم خشونت

از نظر مفهومی واژه خشونت ناظر به نوعی شدت عمل در مقابل دیگران به‌مفهوم کلی اعم از فردی، جمعی، کلامی، رفتاری ایجابی و سلبی است.^۴ خشونت معنای متقن و مشخصی ندارد، برای نمونه برخی از تعاریف از خشونت، تنها بر جنبه فیزیکی تأکید کرده، هر فعل یا رفتار تهدیدآمیزی را که به قصد ایراد صدمه فیزیکی یا ایجاد ترس از ایراد صدمه صورت

^۱- اردبیلی، محمدعلی، پیشین، ص ۱۲۱.

^۲- اردبیلی، محمدعلی، پیشین، ص ۱۲۱.

^۳- اردبیلی، محمدعلی، پیشین، ص ۱۲۳.

^۴- طاهری بجد، محمد علی، جایگاه خشونت در حقوق کیفری، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱، ص ۲۱.



گیرد و عملاً منتهی به ایراد صدمه و آسیب شود یا احتمال ایراد صدمه و آسیب را در پی داشته باشد، در زمره رفتارهای خشونت آمیز محسوب می‌کنند. سازمان جهانی بهداشت در تعریف خود از خشونت بیان می‌دارد «خشونت استفاده عمدی از نیرو یا قدرت فیزیکی، ارباب یا تهدید بر خود یا دیگری است که علیه یک گروه یا جامعه صورت گرفته و منجر به آسیب جسمی مرگ یا آسیب روانی سوء رشد و تکامل یا محرومیت شود یا احتمال وقوع این نتایج متصور شود».^۱ خشونت عملی است که با رفتارهای تهاجمی به خصوص از نظر جسمانی یا حداقل بیانی همراه گردد.^۲ به عبارت دیگر خشونت عبارت است از برخورد فیزیکی یا روحی و یا زبانی با طرف مقابل و یا ایجاد موانع و محرومیت از دستیابی به حقوق و آزادی‌های فردی در حدودی که قانون و عرف یک جامعه آنرا مشروع می‌داند.^۳ در واقع رفتاری است که در همه ی کشورها مشاهده می‌شود و بر قربانیان فراوان آن همه روزه افزوده و موجب اضطراب مردم و احساس ناامنی آنها و به ویژه گروههای ضعیف تر و آسیب پذیرتری می‌شود. در کل به رفتاری اطلاق می‌شود که هدفش اعمال آسیب و رنج می‌باشد. به عبارت دیگر رفتاری است که به قصد صدمه رساندن جسمانی یا روانی به فرد دیگر است.^۴ مگرواشتروس: از دید این دو محقق خشونت رفتاری با قصد و نیت آشکار یا رفتاری با قصد و نیت پنهان اما قابل درک برای وارد کردن آسیب فیزیکی به فرد دیگر می‌باشد. محقق دیگر در سال ۱۹۸۳ خشونت را چنین تعریف کرده است: خشونت رفتاری آگاهانه در نظر گرفته می

^۱ - سازمان جهانی بهداشت، انجمن آموزش بهداشت و ارتقای سلامت خانواده. ۱۳۸۰، خشونت علیه زنان، مترجم: رفیعی‌فر و دیگری، تهران، نشر تندیس، چاپ اول، ص ۱۳۸.

^۲ - حسینی، اکرم، کتاب زنان، شماره هفتم، انتشارات شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ۱۳۸۳، ص ۱۵.

^۳ - صداقت، کامران، زرینیان، جلال، عوامل اجتماعی و خشونت خانوادگی در بین خانواده های شهر تبریز، مطالعات جامعه شناسی، ۱۳۸۷، شماره ۱، ص ۱۱۴.

^۴ - ارمکی. آزاد و بهار، مهری، بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، موسسه نشر جهاد، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۷۷.



شود که نتایج احتمالی آن، ایجاد آسیب فیزیکی یا درد در فرد دیگر است.^۱ همچنین خشونت را می‌توان از نظر مفهومی کنشی در نظر گرفت که از جانب فرد یا افرادی و از روی اراده و آگاهی به منظور آسیب رساندن فیزیکی یا روحی - روانی به دیگری انجام می‌پذیرد.^۲

بند اول: مفهوم خشونت خانوادگی

خشونت خانگی به معنی رفتار خشونت آمیز و سلطه گرانه یک عضو خانواده علیه عضو یا اعضای دیگر همان خانواده است به عبارت دیگر خشونت خانوادگی اصطلاحی است شامل حالات مختلف سوء استفاده، بد رفتاری یا اهمال در انجام وظایف که بزرگسالان یا کودکان ممکن است در روابط صمیمی، خویشاوندی یا وابستگی با آنها مواجه شوند.^۳ یکی از رایج ترین نوع آن خشونت علیه زنان یا همسر آزاری است. الگویی از رفتارهای تهاجمی و اجباری شامل حملات فیزیکی، روانی، فشار و تهدید است که افراد علیه شریک صمیمی شان به کار می‌برند. فرآیندی که در آن زوج یا شریک زندگی از خود رفتارهای خشونت آمیز بر ضد زوج دیگر نشان می‌دهد، به بیان دیگر به خشونتی اطلاق می‌شود که در محیط خلوت و خصوصی خانواده به وقوع می‌پیوندد. و در میان افرادی رخ می‌دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی و یا قانونی به هم پیوند خورده اند.^۴

^۱ - مرادپناه، زهرا، بررسی توصیفی پدیده خشونت در خانواده های شهر رشت، پایان نامه کارشناسی ارشد، گیلان، ۱۳۸۷، ص ۶.

^۲ - رحمتی، محمدمهدی و محسنی تبریزی، علیرضا، «سیری در مفاهیم و نظریه های خشونت، پرخاش و پرخاشگری به منظور ساخت و ارائه یک مدل علمی - توصیفی خشونت در ورزش»، نامه ی علوم اجتماعی، ۱۳۸۱، شماره ۱۹، ص ۱۵۳.

^۳ - صداقت، کامران، زرینیان، جلال، پیشین، ص ۱۱۴.

^۴ - مرادی گلرمدوزندی، لیلا، «خشونت های خانوادگی و تاثیرات آن بر امنیت در جامعه مورد مطالعه شهر سنج»، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال چهارم، ۱۳۸۶، شماره ۲، ص ۱۴۷.



بند دوم: طبقه بندی رفتاری انواع خشونت های خانوادگی

الف: خشونت جنسی

این نوع خشونت ممکن است در حیطه زندگی خصوصی، زناشویی و خانوادگی، اتفاق بیفتد و به صورت الزام به تمکین از شوهر یا رابطه محارم با یکدیگر در حلقه خویشاوندی علیه زن اعمال گردد. در واقع باید رفتاری جسمی و روانی اتفاق می افتد. در حقیقت آزار جنسی همراه با اجبار کمتر از آزار جسمی معمول است. بنابراین بد رفتاری جنسی همراه با اجبار یک الگوی غیر متعارف بوده و تغییر آن مشکل است. آزار روانی به شکل تهدید و انتقاد از روش رابطه جنسی همسر بیشتر متداول است.^۱ تحلیل فمینیستی ثابت میکند که تجاوز جنسی نتیجه ی منطقی تبعیض جنسی است. تجاوز جنسی یکی از موزیانه ترین اشکال فشار اجتماعی است. زیرا مدام به زنان موقعیت آسیب پذیرشان را یاد آوری می کنند. زنان ترجیح می دهند برای حفظ حرمت خود از این گونه موارد حرفی به میان نیاورند که این امر موجب از بین رفتن اعتماد به نفس، گوشه گیری از اجتماع و ایجاد روح بدبینی در زن می شود.^۲

ب: خشونت جسمی

این نوع خشونت به به شیوه های گوناگون مانند کتک خوردن، شکنجه و قتل را در بر می گیرد یا از لمس کردن بدن زن شروع شده تا مرحله تجاوز جنسی، جسمزن را مورد آزار قرار می دهد.^۳ در واقع نوعی اقدام فیزیکی برای آسیب رساندن، ترساندن یا کنترل کردن روی

^۱ - اعزازی، شهلا، « خشونت خانوادگی و خشونت اجتماعی»، مجموعه مقالات آسیب های اجتماعی ایران،

۱۳۸۳، ص ۸۱.

^۲ - غلامی، کبری، « تیپولوژی خشونت علیه زنان در سینمای ایران پس از اختلاف»، پایان نامه کارشناسی ارشد، گیلان، ۱۳۸۵، ص ۳۸.

^۳ - کار، مهرانگیز، پژوهش درباره ی خشونت علیه زنان در ایران، تهران، چاپ سوم، نشر: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۲، ص ۲۹۲.



همسر برای مثال سیلی زدن، ضرب و شتم، پرتاب کردن اشیاء به سمت همسر و سوزاندن اندامها و...^۱

پ: خشونت روانی

رفتار خشونت آمیزی که شرافت، آبرو و اعتماد به نفس زن را خدشه دار می کند . این رفتار به صورت انتقاد ناروا، تحقیر، بد دهانی، تمسخر، توهین، فحاشی، متلک، تهدیدهای مداوم به طلاق دادن، یا از ازدواج مجدد کردن اعمال می شود.^۲

ت: خشونت اجتماعی

ممنوعیت ملاقات با دوستان و خویشاوندان، حبس کردن زن در خانه، قطع کردن تلفن و...

ث: کودک آزاری

نوع متفاوتی از خشونت خانوادگی است که سالیانه میلیون ها قربانی دارد و شامل هر نوع آسیب بدنی یا روانی، آزار جنسی، بی توجهی یا بد رفتاری به بچه ها می شود. در آمریکا به حدی فروان شده که مردم آن را یک فوریت ملی اعلام کرده اند. بیشتر کودک آزاری ها در خانواده مثل مواردی از تنبیه بدنی والدین نسبت به فرزندان است. علل چندی در مورد کودک آزاری وجود دارد از جمله: خشونت بین نسلی، باور همگان که تنبیه بدنی را شیوه ای مناسب در تربیت بچه ها می دانند، فقر، انزوا، بیکاری، مشکلات خانوادگی و بی سوادی که همه به فشار سنگین بر خانواده و در نتیجه به کودک آزاری ختم می شوند.

۱-پیشینه اقدامات بین المللی در حمایت از حقوق کودک

^۱ - اعزازی، شهلا، پیشین، ص ۸۱.

^۲ - کار، مهرانگیز، پیشین، ص ۳۵۳.



اولین اقدام قانونی برای حمایت از حقوق کودک در سال ۱۹۲۴ توسط جامعه ملل از طریق تصویب اعلامیه پنج ماده‌ای حقوق کودک که توسط یک سازمان غیر دولتی بین المللی تهیه شده بود، صورت پذیرفت.

پس از آن در اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ مورد تصویب قرار گرفت، به شکل محدودی به حقوق کودکان اشاره گردید. اما وضعیت خاص کودکان و تضییع حقوق ایشان، به ویژه در مخاصمات مسلحانه و آسیب‌پذیری این قشر در خلال جنگ دّوم جهانی، ضرورت عنایت به حقوق کودکان و حمایت از آنان را در یک سند خاص و مجزا مشخص نمود، و از همین روی مسائل کودکان به‌طور بارز و مشخصی از ابتدای تأسیس سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفت. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اجلاس مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ طی قطعنامه‌ای به اتفاق آراء پیش‌نویس تهیه شده توسط کمیسیون حقوق بشر (زیرمجموعه شورای اقتصادی و اجتماعی) را تحت عنوان اعلامیه جهانی حقوق کودک مورد تصویب قرار داد.^۱ با وجود آنکه این اعلامیه نتوانسته به‌طور کامل تمام جنبه‌های حقوق کودک را در عرصه بین المللی در برگیرد، اما بدون شک تأثیر بسزایی در زمینه بهبود وضع زندگی کودکان داشته و حق آنان را در برخورداری از فرصت‌ها و تسهیلات ویژه، برای داشتن رشدی طبیعی و زندگی سالم مورد شناسایی قرار داده و نقش مهمی در تدوین کنوانسیون حقوق کودک ایفاء نموده است.^۲

۲- کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹

^۱ - برادری، خسرو، حقوق کودک در اسناد بین المللی، کانون وکلا، ۱۳۸۸، شماره ۲۰۶، ص ۱۲۵.

^۲ - مصفا، نسرین و دیگران: کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، چاپ اول، ص ۶۵.



اگرچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌ها بر حقوق کودکان و حمایت از آنها تأکید شده بود، اما گزارش‌های تکان‌دهنده‌ای مبنی بر افزایش استثمار و سوءاستفاده از کودکان وجود داشت که مبین این واقعیت بود که حقوق کودکان به نحو شایسته‌ای رعایت نمی‌شود. به ویژه آنکه اعلامیه ۱۹۵۹ سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودکان، تعهد اجرایی برای دولت‌ها ایجاد نمی‌کرد و ارزش حقوقی قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان مذکور را داشت.^۱ در سال ۱۹۷۸ دولت لهستان پیش‌نویس کنوانسیون را در زمینه حقوق کودک به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه نمود، که پس از ارائه پیش‌نویس مزبور به کشورهای عضو آنسازمان از سوی دبیر کل، سرانجام بعد از ده سال بحث و گفتگو بین دولت‌ها، پیش‌نویس مذکور در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ طی قطعنامه‌ای به تصویب مجمع عمومی رسید و در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ پس از تصویب بیست کشور، مفاد آن لازم‌الاجرا گردید.^۲ این توافقنامه حقوقی اولین سندی است که در ابعاد بسیار گسترده حقوق کودکان را مورد توجه قرار داده و حاوی نکات بسیار ضروری برای حیات آنها می‌باشد و دولت‌ها را موظف می‌نماید به تعهدات خود در قبال کنوانسیون عمل نمایند. بدین لحاظ، برای ارزیابی عملکرد دولت‌ها در زمینه اجرای کنوانسیون، اولین اجلاس سران دولت‌ها در نیویورک برگزار

^۱ - با وجود آنکه حق بود، قبل از کنوانسیون حقوق کودک به اسناد بین‌المللی مقدم بر آن از نظر تاریخی پرداخته می‌شد، لیکن به لحاظ جامعیت این کنوانسیون، ابتداء سند مذکور مورد تشریح قرار می‌گیرد.

^۲ - مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱/۱۲/۱۳۷۲، کنوانسیون حقوق کودک را به صورت مشروط تصویب نمود و پس از تایید شورای نگهبان، سند تصویب تسلیم سازمان ملل متحد گردید و از ۱۲ اوت ۱۹۹۴ برابر با ۲۲ مرداد ۱۳۷۳ مفاد آن برای جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرطی که کشورمان قائل گردید لازم‌الاجراء شد. توضیح اینکه چون شورای نگهبان اصولی از کنوانسیون را مغایر با موازین شرع انور اسلام اعلام نمود، مجلس طی ماده واحده‌ای اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مزبور را به شرطی تصویب نمود که در صورت مغایرت کنوانسیون با قوانین داخلی و موازین اسلامی، مفاد آن از سوی ایران لازم‌الرعايه تلقی نشود. (بدیهی است شرط در اینجا معادل کلمه انگلیسی evreser است و با شرط مندرج در قانون مدنی کاملاً متفاوت می‌باشد).